

مصاحبه با لاری تاینسن



حسام خدامرادی

لارس: بله من یک نگاه سریعی انداختم.

مصاحبه‌کننده: پس اجازه دهید بحث‌مان را با پیش زمینه‌ی آموزشی شروع کنیم شما کی و کجا درس خواندید فضای سیاسی آن دوران چگونه بود؟

لارس: مدرک تحصیلی من فوق لیسانس اقتصاد و آمار از دانشگاه کوپن هاگن است. من در شرایط اجتماعی خوبی در آن دانشگاه بودم و خیلی خوش شانس بودم که در دوره‌ی دبیرستان یک معلم ریاضی خوب داشتم و فکر می‌کنم زندگی‌ام را تغییر داد چون بعد که وارد دانشگاه شدم خیلی به آمار ریاضی، مدل‌های احتمالات و سایر حوزه‌های مرتبط علاقه‌مند شدم. در ابتدا من به مدل‌های احتمالات مربوط به بازی‌ها علاقه‌مند شدم و بعدها برای نوشتن پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد اقتصاد خیلی از این مدل‌ها استفاده کردم.

مصاحبه‌کننده: آقای لارس شما گفتید که در فاصله سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۰ در دانشگاه کوپن هاگن بودید برای من جالب است که شما چگونه از حرفه‌ی دانشگاهی به حرفه‌ی شغلی منتقل شدید؟

لارس: قبل از اینکه به این سؤال شما پاسخ دهم بایستی به موانع دیگری مانند ازدواج، بچه و چیزهای دیگری که در زندگی حرفه‌ای من وجود داشته است اشاره کنم. زمانی که من در سال ۱۹۷۰ مدرک را گرفتم، تصمیم گرفتم با عشق و علاقه بیشتری به آمار به خصوص آماری که برای اداره‌ی آمار دانمارک کاربرد داشته باشد، بپردازم. آن زمان هم، مسئولین اداره‌ی آمار برای استخدام افراد جوان اشتیاق زیادی داشتند، بنا بر این بلافاصله من را به اداره‌ی آمار دانمارک فراخواندند و من استخدام شدم.

مصاحبه‌کننده: خوب اجازه دهید جلوتر برویم زمانی که شما در سال

لارس تاینسن بیش‌تر وقت خود را در اداره‌ی آمار دانمارک سپری کرده، جایی که او در حوزه‌ها و پست‌هایی نظیر مدیر فروش و بازاریابی (۱۹۹۵-۲۰۰۳)، مدیر خدمات کاربران (۱۹۸۷-۱۹۹۵) و همچنین در OECD به‌عنوان مدیر بخش پشتیبانی و مدیریت آمار و اطلاعات از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ مشغول فعالیت بوده است. لارس در طول دوره‌ی شغلی در سازمان‌های آماری متنوعی به فعالیت پرداخت. قبل از پیوستن به اداره‌ی آمار دانمارک فوق لیسانس اقتصاد را از دانشگاه کوپن هاگن در سال ۱۹۷۰ اخذ نمود. در طول دوران اشتغالش در آمار دانمارک، در طراحی و اجرای روش جدید و نو آورانه‌ی سرشماری‌های ملی نقش کلیدی داشته است. او با چالش‌های زیادی نظیر ناتوانی محاسباتی، فشارهای اجتماعی، بی‌میلی جامعه‌ی آماری و سایر مسائل مواجه شده است. با وجود این چالش‌ها اداره‌ی آمار دانمارک در سال ۱۹۸۱ به واسطه‌ی کار آقای تاینسن و همکاری‌اش نخستین کشوری بود که سرشماری ثبتي مینا را اجرا نمود و این مسئله آمار دانمارک را بیش‌تر از انجمن‌های بین‌المللی سرشماری متحول کرد. این گزارش خلاصه‌ای از مصاحبه با لارس تاینسن است و در آن به چالش‌هایی که در این زمینه (سرشماری ثبتي مینا) وجود داشته و نحوه‌ی غلبه بر آن‌ها اشاره شده است.

مصاحبه‌کننده: از اینکه وقتتان را در اختیار ما قرار داده‌اید متشکریم. من دو سؤال از شما دارم که دو روز پیش برای شما فرستادم نمی‌دانم وقت کردید آن‌ها را بخوانید؟

حسام خدامرادی: کارشناس دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران است

۱۹۷۰ وارد اداری آمار دانمارک شدید، انقلابی در نظام آماری و سرشماری دانمارک شکل گرفت، می‌توانید برای ما از شرایط و جوّ حاکم و اتفاقاتی که در آن موقع در اداری آمار افتاد بگوئید؟

لارس: بله در آن زمان اداری آمار دانمارک متحول شده بود. از سال ۱۹۶۷ این تحول بر اساس برنامه‌ی قبلی توسط آمارشناسان ملی شکل گرفت. در آن زمان بر اساس قانون، تصویب شده بود تا اندازه‌ای که ممکن است از منابع اداری استفاده شود. در سال ۱۹۶۸ ثبت مرکزی جمعیت، که سنگ بنای پایه‌ی سیستم آماری فعلی محسوب می‌شود، شکل گرفت. در آن زمان مسئولین اداری آمار دانمارک، تلاش کردند تا افراد واجد شرایط یعنی افرادی که دارای مدارک تحصیلی دانشگاهی مرتبط هستند، به استخدام درآورند. در آن زمان ۱۱ سرپرست و ۳۹ کارشناس با تحصیلات دانشگاهی وجود داشت ولی در حال حاضر ۴۰ سرپرست و ۲۵۲ کارشناس با تحصیلات دانشگاهی در اداری آمار دانمارک مشغول به کار هستند. از همان ابتدا مسئولیت‌های زیادی به من واگذار شد. وقتی شروع به کار کردم مطالعه‌ی یک طرح نمونه‌گیری از تنوع جغرافیایی هزینه‌های خانوار به من واگذار شد. این بررسی در سال اول کاری من خیلی مهم بود البته من یک رئیس خوب داشتم که به من کمک کرد.

بعد از نخستین سال کاری‌ام متوجه شدم که IT اهمیت زیادی پیدا کرده و اداری آمار دانمارک یک کامپیوتر مدرن خریداری کرده بود. قبل از آن ما از تکنولوژی کارت پانچ استفاده می‌کردیم. من فکر کردم فرصت خوبی برایم فراهم شده طوری که مدتی به‌عنوان برنامه‌ریز سیستم در بخش IT کار کردم. قبل از پیوستن به جنبش ثبتی حدود سه سال در بخش IT کار کردم و از من برای کار در بخش آمارهای جمعیت دعوت شد، جایی که مدیر خیلی خوبی داشت و من خیلی او را قبول داشتم. او سیستم آماری آینده را طوری می‌دید که روش‌ها و منابع آن توسعه پیدا خواهند کرد. در سال ۱۹۷۴ که با او همکاری کردم، رئیس بخش بود و من مدت طولانی در آن بخش در ارتباط با آمارهای ثبتی مینا فعالیت کردم.

آخرین سرشماری به روش سنتی در ۱۹۷۰ اجرا شد که البته یک سرشماری کاملاً سنتی نبود به این دلیل که به سیستم ثبت مرکزی جمعیت متصل بود. اطلاعاتی که آن موقع از سیستم ثبتی اخذ می‌شد شامل شماره‌ی شخصی افراد بود که به صورت یک کد منحصر به فرد بود و هر شخصی در دانمارک دارای آن کد بود. ما یک کد منحصر به فرد داریم که مطمئناً در مورد آن اطلاع دارید، یک کد ده‌رقمی

است. ما در همه‌ی قراردادها با ادارات عمومی دولتی و برخی از سازمان‌های خصوصی از آن استفاده می‌کنیم. شما زمانی که به دکتر، دندانپزشک، مدرسه مراجعه می‌کنید و یا زمانی که مالیات پرداخت می‌کنید یا یک خانه می‌خرید و ... مجبور به استفاده از آن هستید. این کد منحصر به فرد شباهت زیادی به شماره‌ی تأمین اجتماعی شما دارد البته خیلی فراگیرتر از آن است به این معنی که همه‌ی ادارات از آن استفاده می‌کنند. این ویژگی به ما اجازه می‌دهد که از کد منحصر به فرد به‌عنوان اساس و بنیاد روش ثبتی مینا استفاده کنیم. شماره‌های دیگری نیز وجود دارد از جمله شماره‌ی شناسایی شغل و شماره‌ی شناسایی مسکن و ساختمان که از آن‌ها هم می‌توان به‌عنوان یک کد منحصر به فرد در پیوندهای شغلی و جستجوی آدرس دقیق محل سکونت استفاده نمود. بنا بر این در چنین روزهایی قبل از اجرای سیستم ثبتی مینا تلاش کردیم که برآوردهای جمعیتی معتبر و یکپارچه (یکسان) از جمعیت و اجزای ترکیبی آن مانند درون کوچی، برون کوچی، مهاجرت‌های داخلی، موالید و مرگ و میر داشته باشیم. برای یک‌بار توانستیم با استفاده از اطلاعات بهداشت و سیستم ثبت مرکزی جمعیت، مدل‌سازی انجام دهیم.

بعد از سه سال کار روی این سیستم، بنده به‌عنوان مسئول هماهنگی سیستم جامع ثبتی انتخاب شدم. در سال ۱۹۸۱ اولین سرشماری کاملاً ثبتی مینا طراحی شد. در ۱۹۷۴ ما از همه‌ی کاربران سرشماری در سراسر کشور، یعنی کاربران محلی، مرکزی، عمومی و خصوصی و ... درخواست کردیم اگر لازم است بنا به قرارداد و تعهدمان یک سرشماری در ۱۹۷۵ یا ۱۹۷۶ داشته باشیم. اما تصمیم گرفته شد که اگر بتوانیم در ۱۹۸۱ سرشماری کاملاً ثبتی اجرا کنیم، دیگر نیازی به سرشماری سنتی نباشد و ما هم موفق به انجام این کار شدیم.

مصاحبه‌کننده: واضح است یک انقلاب در سیستم‌های آن موقع به وقوع پیوست، آیا شما هرگز مجبور به عقب‌نشینی در داخل یا خارج از اداری آمار دانمارک شدید؟ آیا هرگز در باورتان به سیستم جدید، دچار سختی و مشکل شدید؟ چگونه آن را تغییر دادید؟

لارس: آن موقع دو جبهه‌ی مخالف هم در داخل و هم در خارج از سازمان وجود داشت. داخلی‌ها آن‌هایی بودند که کل زندگی‌شان را روی «آمارهای سنتی» سپری کرده بودند. دسته‌ی دوم آن‌هایی بودند که در خارج از اداری آمار بودند از جمله آن‌هایی که در دانشگاه بودند، زمانی که من در دهه‌ی ۶۰ در دانشگاه بودم به ما یاد داده بودند که هیچ‌کسی از داده‌های واقعی ثبتی برای آمارهای تفصیلی استفاده نکرده است.



مقررات تخلف کند، مجازات می‌شود. ما همچنین مزایای استفاده از سیستم جدید را تشریح کردیم. افرادی بودند که می‌گفتند بدون شماره‌ی شناسایی نیز امکان دریافت اطلاعات وجود دارد. ولی ما می‌گفتیم برای استقرار یک سیستم یکپارچه به شماره‌ی

شناسایی شخصی افراد نیاز داریم. ما متوجه شدیم که کاربران به دریافت هر ده سال یک بار داده‌های سرشماری عادت کرده‌اند اما کاربران به داده‌های جدید نیاز دارند و اگر آن‌ها آینده را بر اساس داده‌های ده سال گذشته پیش‌بینی کنند، محکوم به اشتباه هستند. بنا بر این استدلال‌های ما درباره‌ی سودمندی، امنیت و محافظت از داده، مفید واقع شد و قانون‌گذاران در مورد الزام آن، موافقت کردند.

مصاحبه‌کننده: به نظر می‌رسد کاری بسیار هیجان‌انگیز و احتمالاً پر تنش باشد آیا در فرایند کار احساس استرس کردید؟

لارس: نه من نمی‌خواهم چنین چیزی بگویم، من آن موقع چون جوان بودم به این موضوع علاقه داشتم. در کل وقتی شما جوان هستید، همه چیز جدید و جذاب به نظر می‌رسد. من بحث‌های بین‌المللی زیادی نیز داشتم چون ما اولین کشوری بودیم که این حرکت را شروع کرده بودیم. بعد از آن کشورهای دیگر به دنبال ما آمدند اما آن‌ها همیشه ده سال پشت سر ما حرکت می‌کردند، شاید آن‌ها منتظر بودند ببینند که اگر سیستم ثابتی در کشور ما درست عمل کند، آن‌ها نیز احتیاط را کنار بگذارند. به هر حال من فرصت داشتم در یک کنفرانس بین‌المللی از این روش دفاع کنم و به طور کلی مخاطبان چنین کنفرانس‌هایی تصور می‌کنند که واقعیت در سرشماری‌ها و طرح‌های آماری نهفته است و انحراف از آن قابل قبول نیست. آن‌ها به روش جدید اعتقاد نداشتند. من یک همکلاسی خوب داشتم که رئیس اداره‌ی آمار شهر کپن هاگن بود و در یکی از کنفرانس‌ها گفت: «با چه شواهدی می‌توان ادعا کرد که بخشی از داده‌های سرشماری درست گزارش شده است؟» این یک استدلال قوی برای اهداف ما بود چون آن موقع برداشت عمومی این

آن‌ها معتقد بودند که «واقعیت» تنها از طرح‌ها و سرشماری‌ها قابل استحصال است و فکر می‌کردند که مردم باید فقط به حرف آن‌ها گوش دهند. اما مدیر آمارهای دانمارک به سیستم جدید باور داشت و آن را اجرا کرد. وی آمارشناس بود و خیلی حامی کاری بود که انجام دادیم. من همچنین یک رئیس بخش داشتم که خیلی حامی و مصمم بود و باعث شد ما به مبارزه ادامه دهیم و اگر این قاطعیت و الزام نبود شکست می‌خوردیم. البته یک قانون قوی هم قبل از آن تصویب شده بود و حامی اجرای سرشماری ثابتی مینا بود. در این قانون یک مشوق قوی وجود داشت که ما را به جلو می‌برد (ارائه‌ی شماره‌ی شناسایی به منظور تولید آمار و سرشماری کاملاً ثابتی الزامی است) البته اگر ایده‌ها و نگرش‌های ما در هنگام تصویب قانون شکل نگرفته بود، مجلس و قانون‌گذاران ناامید می‌شدند.

مسئله‌ی دیگری که در اواخر دهه‌ی هفتاد مطرح شد به **Big brother** معروف شد. عده‌ی زیادی فکر می‌کردند ما در دردسر بزرگی افتادیم زیرا زمانی که ما در حال جمع‌آوری داده‌های خرد مربوط به افراد و مشاغل بودیم - البته صرفاً برای تولید آمار انجام شد- تصور بر این بود که ما اطلاعات تفصیلی افراد را منتشر می‌کنیم و در این صورت مردم می‌توانستند اطلاعات بیش‌تری درباره‌ی همدیگر، حتی شغل هم به دست آورند و به همین خاطر مخالفت‌های جدی با این سیستم شکل گرفت. این مشکلات به دلیل اجرای سیستم جدید بود. از طرف پنج شهرداری، علیه ما طرح دادخواهی شده بود که ما اجازه نداریم شماره‌ی شناسایی مشتریان خدمات اجتماعی را بپرسیم. این دادخواهی سه سال به طول کشید و در نهایت در دیوان عالی کشور ما برنده شدیم یعنی در سال ۱۹۸۱ تمام شهرداری‌ها بر اساس قانون اداره‌ی آمار دانمارک ملزم به دادن اطلاعات درخواست شده بودند. از آن زمان به بعد هیچ مشکلی برای فعالیت‌های ما پیش نیامد. روزنامه‌ها شروع به زدن تیتراهای جنجالی کردند، از جمله یکی از آن‌ها تیترا «Big brother is watching you» بود.

مصاحبه‌کننده: آیا شما یک بحث پایه داشتید که بتوانید بر اساس آن از خود در برابر این اتهامات، دفاع کنید؟

لارس: من ابتدا قانونی را که در سال ۱۹۶۰ تصویب شده بود و به ما قدرت اجرایی می‌داد، بازنگری کردم. من چندین مقاله در مورد اقدامات امنیتی نوشتم و ما تلاش کردیم به مردم اطمینان دهیم که مدیریت داده‌ی قوی و برنامه‌ی محافظت از داده در مکان، داریم و اگر کسی که از این

بود اگر روش جمع‌آوری اطلاعات، سرشماری نیست، پس داده‌ها معتبر نیستند. در نهایت فضا تغییر کرد و ثبتي مینا به‌عنوان یک روش برای تولید آمار به رسمیت شناخته شد و برای کشورهای دیگر به‌عنوان یک منبع الهام استفاده شد. حتی اخیراً ایالات متحده و بریتانیا سؤالات بسیاری از ما در مورد سیستم و نحوه‌ی کار آن پرسیدند به دلیل آنکه اجرای سرشماری سنتی با کیفیت برای هر کشوری سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود. بحث‌های زیادی در مورد آینده‌ی سرشماری سنتی در ایالات متحده، اروپا و جاهای دیگر وجود دارد. چند کشور در کنار ما رویکرد تغییر را پذیرفته‌اند، ابتدا کشورهای نورودیک و سپس سوئیس، هلند و اتریش.

در ۱۹۹۵ اتحادیه‌ی اروپا به ما امتیاز چاپ یک کتاب راهنما در مورد چگونگی ایجاد یک سیستم ثبتي را داد این کتاب توسط اداره‌ی آمار اروپا (Eurostat) چاپ شد، چاپ این کتاب چالش‌ها و فرصت‌های زیادی برای ما فراهم کرد و این یک موفقیت بزرگ برای ما بود. در حال حاضر به نظر می‌رسد اتحادیه‌ی اروپا در پی نوآوری است و به دنبال پیشرفت‌هایی مانند این در سایر کشورهای عضو است.

مصاحبه‌کننده: بنا بر این به نظر می‌رسد اتفاق‌هایی که افتاده مانند یک توفان بوده است. شما به ترتیب به عناصر محیط سیاسی و اجتماعی، فن‌آوری محاسبات، داده‌های اداری و غیره، نیاز داشتید، آیا این عناصر قبل از انتقال (انتقال به سیستم ثبتي مینا) بایستی در مکان آماده باشد، کدام یک از این عناصر، یک فاکتور محرک است؟

لارس: یک داستان خنده‌دار وجود دارد که می‌خواهم برای شما تعریف کنم. در سال ۱۹۷۴ زمانی که ما می‌خواستیم آمار درآمد را بر اساس ثبت‌های مالیاتی بسنجیم، یکی از همکاران IT ما سیستمی را برای کنترل حجم داده طراحی کرد که قادر بود پردازش خوبی انجام دهد. آن‌ها سیستم را آزمایش کردند و سیستم کار می‌کرد اما به حدی کند بود که دو سال طول می‌کشید تا آمارهای یک‌سال را پردازش کند. امروزه چنین مشکلی وجود ندارد. ما مجبور شدیم سیستم و تکنولوژی جدیدمان را بپذیریم. برای مثال تصمیم گرفتیم فقط از یک نمونه‌ای از آمارهای درآمد که آن زمان داشتیم، استفاده کنیم در غیر این صورت نمی‌توانستیم آن را کنترل کنیم. البته فن‌آوری پیش شرط است اما می‌خواهم بگویم که پیش شرط سیاسی مهم‌ترین است. در دهه‌ی ۶۰ ما یک نخست‌وزیر خوب به اسم ویگو کاپمن داشتیم. او مدیری باهوش و علاقه‌مند به آمار بود. او رئیس کمیته‌ای شد که برای قانون‌گذاری تشکیل شده بود و تمام قانون‌گذاران به آن قانون (ثبتي مینا) رأی دادند.

این یعنی اینکه یک نیروی قدرتمند وجود داشت که توسعه‌ی سیستم جدید را تسهیل می‌کرد. من فکر می‌کنم که ما هم مدیریت خوب و هم مردم خوبی داشتیم. آن‌ها خیلی مشتاق بودند و تمرکزشان را همیشه حفظ کردند و اجازه ندادند هیچ خدش‌های به این سیستم وارد شود.

مصاحبه‌کننده: آیا امکان دارد کمی در مورد کاربردهای این سیستم جدید هم صحبت کنید. این سیستم در مقایسه با سیستم‌های سنتی چه مزایایی دارد؟

لارس: من اول باید با این موضوع شروع کنم که امروزه ما یک سیستم جامع داریم و با استفاده از همه‌ی ثبت‌ها یک مجموعه‌ی منسجم از داده‌های انبوه ساخته‌ایم، اگر چه آن‌ها در دفاتر مختلف نگهداری می‌شوند و هیچ فردی اجازه دسترسی به آن را - جز در مواقعی که نیاز به پیوند به داده هست - ندارد. امروز ما نمی‌توانیم همه‌ی تحلیل‌های ممکن را با این داده‌ها انجام دهیم به دلیل اینکه این داده‌ها برای مطالعات طولی و پدیده‌ای متنوع استفاده می‌شوند. ما با سیستم ثبت سرطان دانمارک روی یک پروژه با همکاری یک محقق برجسته کار کردیم و بر اساس توافقی که داشتیم لیستی از همه‌ی افراد مبتلا به سرطان (چه آنان که مرده‌اند و چه آنان که زنده‌اند) از همه‌ی بیمارستان‌ها و پزشکان دانمارک در اختیار ما قرار گرفته بود. آنچه که ما در این مطالعه انجام دادیم، پیوند اطلاعات اشتغال و فعالیت اقتصادی جمعیت سال ۱۹۷۰ با اطلاعاتی بود که بعد از آن اضافه شده بود نظیر: آیا کسی مرده یا مهاجرت کرده است؟ آیا کسی به نوع خاصی از سرطان دچار شده است؟ آیا مرگ به دلیل سرطان بوده یا چیز دیگری؟ آیا آن‌هایی که مرده‌اند نوع خاصی از سرطان داشته‌اند؟ ما می‌توانستیم این‌ها را با هم لینک کنیم و این لینک بین اطلاعات در آن زمان، روشی کاملاً جدید بود. ما یک جمعیت زنده در یک نقطه زمانی داشتیم با اطلاعاتی در مورد فعالیت اقتصادی و اشتغال‌شان. این جمعیت در طول زمان ده ساله روز به روز دنبال می‌شد. ما میزان‌های وقوع را با توجه به شمارش افرادی که نقل مکان کرده‌اند و هرگز در معرض ابتلا به سرطان یا مرگ بر اثر سرطان نبودند، محاسبه کردیم. در این روش ما توانستیم افرادی را که در معرض ابتلا به یک یا چند نوع سرطان قرار دارند، پیدا کنیم. این مقاله در مجله‌ی آمار چاپ شد و خیلی مورد توجه رسانه‌های جمعی قرار گرفت.

تحلیل‌های زیادی از این دست انجام شده است که ما به طور مستقیم با آن‌ها درگیر نیستیم. ما یک مرکز تحقیقاتی داریم که در آنجا پروژه‌های محققان ارزیابی می‌شود و پروژه‌هایی که تصویب می‌شوند، داده‌های



مورد نیاز در اختیارشان قرار می‌گیرد. ترتیبات اداری و امنیتی هم به نحوی است که آن‌ها را مطمئن کند که برای دسترسی به اطلاعات شخصی افراد تلاش نکنند، اگر از این امر تخلف کنند، از خدمات محروم

می‌شوند و در موارد شدید حبس می‌شوند. اما آن‌ها عملکرد خوبی داشته‌اند و ما در حال حاضر حدود ۱۴۰۰ پژوهشگر فعال داریم. هر یک از آن‌ها در حال اجرای یک پروژه بر روی جامعه هدفشان هستند. برخی از این پروژه‌ها مطالعات طولی‌اند مانند آنکه من قبلاً به آن اشاره کردم. آن‌ها همچنین در حوزه‌های مختلفی نظیر اپیدمیولوژی، بازار کار، تحلیل داروهای خاص و غیره هستند. این مرکز تحقیقاتی است و نه یک بنگاه تجاری. به خاطر اینکه ما نه اجازه خواهیم داد تحقیقی با هدف کسب سود انجام شود و نه خود چنین کاری انجام می‌دهیم. ما فقط کاربران را در موقعیت خوب استفاده از داده قرار می‌دهیم تا آن‌ها یافته‌ها و دانش جدیدی که برای جامعه سودمند باشد، به دست آورند.

مصاحبه‌کننده: مطمئناً منافع این سیستم خیلی واضح است. صحبت شما مؤید این موضوع می‌باشد. وضعیت آمارهای دانمارک را در حال حاضر چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا نوآوری‌های جدید وجود دارد که آن را به ظرفیت خودش برساند؟

لارس: من فکر می‌کنم همیشه چیزهای جدیدی برای استمرار و ادامه‌ی فعالیت وجود دارد. من به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌کنم. اول مطالعات اسنادی فراداده است و این چیزی است که من خیلی درگیر آن هستم. ما در حال کار کردن روی فراداده هستیم به گونه‌ای که کاربران یا کاربران بالقوه متوجه شوند که داده برای مطالعه‌ی ایده‌های جدید در دسترس است و ما روی این حوزه سخت کار می‌کنیم تا تحلیل خوب و کافی از داده در سطوح مختلف داشته باشیم. من فکر می‌کنم هیچ کشوری در جهان این مسئله را به شیوه‌ی رضایت‌بخشی حل نکرده است و ما نیز هنوز حل نکرده‌ایم. از این رو ما باید کارهای زیادی برای بهتر شدن انجام دهیم. ما وقتی روی ایده‌های جدید کار می‌کنیم، نگاه

بین‌المللی داریم و همیشه تلاش می‌کنیم که از دیگران ایده بگیریم و خوشبختانه دیگران نیز چنین دیدگاهی دارند. روحیه‌ی همکاری بسیار خوبی در آمارهای بین‌المللی در سطح جهان وجود دارد. ما خیلی خوشحال می‌شویم که دیگران از ایده‌های ما کپی‌برداری کنند و دیگران نیز از کپی‌برداری ما از ایده‌های خود خوشحال خواهند شد. بنا بر این ما در جستجوی بهترین شیوه‌ها در سراسر جهان هستیم تا به ما ایده دهد. مسئله‌ی دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم شرایط مشابهی است که قبلاً در سال ۱۹۷۰ داشتیم و الان منابع جدید داده در حال ظهور است، این منابع پتانسیل زیادی دارند به شرطی که ما بتوانیم از آن استفاده کنیم. در آن زمان اگر برای همه‌ی این داده‌ها، شماره‌ی شناسایی افراد را درخواست می‌کردید، تجاوز به حریم شخصی محسوب می‌شد چون قبلش چنین کاری انجام نشده بود و اگر می‌خواستید چنین کاری انجام دهید مردم شگفت‌زده می‌شدند. و حجم داده‌ها بیش‌تر از توانایی تکنولوژی کنترل ما بودند.

در حال حاضر ما تب داده داریم که در سراسر جهان در حال پردازش است. ما بخشی از آن تب هستیم اگرچه ما بیش‌تر به دنبال افرادی هستیم که با منابع بیش‌تری کار می‌کنند. داده می‌تواند برای ساخت آمارهای جدید یا بهبود آمارهای موجود استفاده شود. ما در حوزه‌هایی مانند تلفن همراه، GPS، داده‌های حاصل از نقاط کنترل در جاده‌ها و داده‌های حاصل از اینترنت، کار زیادی انجام نداده‌ایم و کشورهای دیگر بیش‌تر کار کرده‌اند. همچنین دو موضوع مهم دیگر در ارتباط با سرشماری ثبتی مبنای، منابع و تخصص هستند. مقدار زیادی از منابع و تخصص لازم است که شاید ما نداشته باشیم و به دست آوردنش نیز مشکل است با این حال ما در این عرصه داریم کارهایی انجام می‌دهیم. ما کارمان را با استفاده از اطلاعات کارت‌های اعتباری سیستم‌های ثبتی بانک‌ها و سوپرمارکت‌ها، شروع کردیم و ما در حال استفاده از انواع متفاوتی از این آمارها هستیم. این فقط یک شروع کوچک است. چیزهای دیگری هست که برخی از کشورها با تلفن همراه و دستگاه‌های GPS در حال انجام آن هستند که می‌تواند بسیار جذاب باشد و می‌تواند یک مکمل خوب برای سیستم آماری باشد. اما من کمی شک دارم و مطمئنم در زمان من اتفاق نمی‌افتد.

مصاحبه‌کننده: آشنایی با این تغییرات در اداره‌ی آمار دانمارک بایستی هیجان‌انگیز باشد. برای من جالب خواهد بود که اگر شما بتوانید یک توضیحی در مورد اینکه چرا شما فکر می‌کنید کشورهای دیگر مانند ایالات متحده آمریکا و کانادا در اجرای سیستم ثبتی مبنای موانعی داشته

باشند؟ مزایای آن روشن است چرا شما فکر می‌کنید کشورهای دیگر در اجرای آن با مانع رو به رو هستند.

لارس: من فکر می‌کنم چیز مهمی در جامعه‌ی دانمارک وجود دارد که خیلی مفید است اما در کشورهای دیگر برعکس آن است. در دانمارک، فنلاند و سوئد اعتماد عمومی به خدمات مدنی و اداری وجود دارد. در یک پیمایش که در اروپا انجام شد، نشان داد که در کشور ما با سوئد در مجموع ۷۴ درصد مردم اعتقاد دارند که آمارهای ما خوب و عینی هست. در بریتانیا این آمار، نصف این مقدار بود حدود ۳۸ درصد. در دانمارک به دلایل خاصی، اعتماد بالایی به دولت وجود دارد. البته ما همه چیز را به صورت موفقیت‌آمیز انجام ندادیم ما همانند هر فرد دیگری مورد انتقاد قرار گرفتیم اما فکر می‌کنم ما در کشورمان اعتماد عمومی بیش‌تری نسبت به بقیه‌ی کشورها داریم. من همچنین اعتقاد دارم که ما از مزیت‌هایی برخورداریم، ما کشور کوچکی با پنج و نیم میلیون نفر جمعیت هستیم و مدیریت آن آسان است. ما بخش عمومی خیلی سازمان‌یافته و جامعه‌ی همگنی داریم، نابرابری یا غیرهمسانی در جامعه ما نسبت به جوامع دیگر کم‌تر است و مردم ما تقریباً دیدگاه مشترک دارند به خاطر همین چیزها مردم در دانمارک به منابع عمومی و سیستم ثبتي اعتماد دارند. من همچنین فکر می‌کنم این مسئله به موضوع مدیریت نیز ارتباط دارد اگر کسی با قاطعیت بگوید ما می‌خواهیم انجام دهیم، انجام می‌شود.

مصاحبه‌کننده: من تعجب می‌کنم اگر شما تلاش می‌کردید این ایده‌های جدید را توسعه دهید به مدیران چی می‌گفتید؟ آیا مدیران می‌خواستند این سیستم‌های جدید را اجرا کنند یا اینکه آن‌ها فقط به امکان‌پذیری آن فکر می‌کردند؟

لارس: چندین بار از من برای سخنرانی برای مخاطبان و کاربران آماری در بریتانیا دعوت شده بود. در ارتباط با همین موضوع من دو سال پیش واشنگتن بودم. ما مشاوره‌های بین‌المللی زیادی انجام دادیم. من به مرکز خدمات آماری کشورها در مورد اینکه چگونه می‌توان انسجام و استفاده از منابع اداری را افزایش داد، مشاوره می‌دادم. وقتی روی سیستم ثبتي کار می‌کردم بحث‌هایی در مورد منافع آن برای دانمارک انجام دادم. به همین دلیل من و مدیر سابقم برای گفتگو با معاون نخست‌وزیر یک کشور دعوت شده بودیم چون آمارشناسان می‌خواستند سیستم مشابهی را در آن کشور ایجاد کنند. این فرصت خوبی بود تا فردی را که به قدرت نزدیک بود، تحت تأثیر قرار دهیم. این تأثیر زیادی داشت. درست است همه چیز یک شبه تغییر نکرد اما احساسات مثبت

در دولت بیش‌تر شد تا جایی که آمارشناس ملی آن کشور آمد و به من گفت تمایل دارم به این داده‌ها دسترسی داشته باشم و از آن استفاده کنم.

مصاحبه‌کننده: لارس مصاحبه‌ی جامعی بود. من از شما برای اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتید، تشکر می‌کنم. آیا چیزی از قلم افتاده؟ لارس: نه واقعاً. من از این گفتگو لذت بردم.

آقای لارس کمک زیادی به پیشرفت و انقلابی کردن فرایندهای آماری دانمارک و دیگر سازمان‌های آماری دنیا کرده است. او و همکارانش به صورت قابل توجهی روش‌های اجرای سرشماری را به روش ثبتي مینا انتقال داده و مدرن کرده‌اند. او با اعتماد به نفس با فشارهای درونی و بیرونی مقابله کرد. فداکاری او برای این سیستم هم در دانمارک و هم در کشورهای دیگر شایسته‌ی تقدیر است. دیدن آنچه که کشورهای دیگر به پیروی از راهنمایی او و دیدن راهی که اداره‌ی آمار دانمارک در آینده خواهد پیمود، خیلی اغواکننده خواهد بود. مصاحبه با آقای لارس خیلی جالب بود. مطمئناً لارس در حرفه آماری‌اش با شجاعت کار خود را انجام داده است.

توضیحات

^۱ این مصاحبه ترجمه مقاله‌ی زیر می‌باشد:

«Nelson, Nils and Kirsten West *Interview with Lars Thygesen*, Statistical Journal of the IAOS 30 (2014) 67–73, IOS Press.»

^۲ The Organization for Economic Co-operation and Development.

^۳ دولت یا سازمانی که در امور خصوصی مردم دخالت و جاسوسی کند و آن‌ها را به سختی مهار کند.

